

بازخوانی شخصیت جعفر بن ابی طالب علیه السلام بر اساس مرثیه حسان بن ثابت

زهره مهرجوئی^۱
راضیه کاظمی زاده^۲

چکیده

دین اسلام در سرزمینی شعرپرور و شاعرخیز ظهور کرد؛ چراکه قوم عرب در سخن و سخنوری چیره دست و در سخن شناسی توانا بود و به شعر و شاعری قدر فراوان می نهاد. شعر، سند و مدرک فضایل، معایب، انساب و ایام و تاریخ اعراب به شمار می رفت و تمام معرفت و زندگی آنان محسوب می شد. یکی از ابزار عرب ها برای بیان احساسات خود در غم از دست دادن بزرگان، مرثیه هایی است که در سوگ آنان می سرودند. در این میان، یکی از مرثیه ها، در غم «جعفر بن ابی طالب علیه السلام» از «حسان بن ثابت انصاری» است. حسان از جمله شاعرانی بود که اشعار فراوانی در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله سرود و مرثیه هایی در سوگ شخصیت های بزرگ عرب بر جای نهاد. نوشتار پیش رو در بررسی مرثیه حسان درباره جعفر با تکیه بر منابع لغوی و تاریخی به این نتیجه دست یافت که این گونه اشعار علاوه بر تبیین میزان حزن و اندوه در مرگ شخص، به معرفی وی می پردازد که بیان کننده جایگاه ویژه افراد است و سبب ماندگاری آنها می شود.

واژگان کلیدی: شعر، اعراب، حسان بن ثابت، مرثیه، جعفر بن ابی طالب علیه السلام، جنگ موته.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گرایش تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب و مدرس جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران،
(نویسنده مسئول)؛ zohor-maher@yahoo.com.

۲. دانش پژوه سطح سه تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ایران؛ raziehkazemizadeh@gmail.com.

مقدمه

عرب پیش از اسلام، بیشتر در عرصه شعر تفوق یافت و بارزترین جنبه نبوغ وی، در آنجا زمینه شایسته‌ای برای تجلی به دست آورد. دلبستگی بدوی به شعر، تنها نمودار فرهنگ او به شمار می‌آید. موضوعات شعر در میان اعراب، مولود زندگی و احوال طبیعی و اجتماعی آنها بود. یکی از موضوعات مطرح شده در زمینه شعر، مرثیه‌هاست که شاعر در آن به توصیف محاسن و خوبی‌های متوفی پرداخته است. همچنین مرثیه‌ها به دلیل دربرداشتن اطلاعات ارزشمند تاریخی می‌توانند هدایت‌گر و راهنمایی‌کننده باشند. در میان اشعار آن دوران، مرثیه برجای مانده از حسان بن ثابت انصاری در سوگ جعفر بن ابی طالب علیه السلام موجود است که در برخی کتاب‌ها مانند شرح نهج البلاغه، اعیان الشیعه و دیوان حسان بن ثابت از آن یاد شده است.

طبق جستجوی انجام شده، در بررسی پیشینه، کتاب یا مقاله‌ای که مستقلاً به بررسی مرثیه جعفر پرداخته باشد، یافت نشد. تنها می‌توان از مقاله «آشنایی با جعفر بن ابی طالب علیه السلام» نوشته سید رضی سید نژاد یاد کرد که در آن، تنها به بیان این مرثیه و معنی آن اکتفا شده است. نگارنده در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق منابع کتابخانه‌ای، به دنبال معرفی جایگاه و شخصیت جعفر بن ابی طالب علیه السلام در قالب این مرثیه است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، پس از بیان جایگاه شعر در میان اعراب، اصل و نسب جعفر بن ابی طالب علیه السلام و حسان بن ثابت بیان می‌شود. همچنین مرثیه برجای مانده از حسان، از جهت ادبی و تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با یافتن مصادیق تاریخی، محتوای اشعار به کار رفته، اثبات یا در صورت عدم تطابق، رد شوند؛ چراکه در نگاه اولیه، ممکن است این اشعار صرفاً نوعی تمجید و مدح تلقی شوند، اما هنگامی که این عبارات با مصادیق تاریخی تطبیق گردند، اهمیتشان دوچندان خواهد بود.

۱. جایگاه شعر در بین عرب

شعر در نزد اعراب، از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بوده است. اعراب به سبب محیط جغرافیایی پیرامون خود، برای شعر و شاعری اهمیت بسیاری قائل می‌شدند و شعر جزئی از زندگی آنها بود؛ چراکه بادیه همیشه مهبط وحی شعر بود و احساس را رقیق می‌کرد و دل را صفا می‌بخشید. عرب‌ها شعر می‌خواندند و با آنها داستان‌سرایی می‌کردند.

اعراب در عصر جاهلی از انواع هنرهای بهره بودند و بیشتر برای بیان احساسات خود از هنر گفتاری، یعنی شعر استفاده می کردند. شعر عرب بدوی تماماً رنگ و بوی بادیه و صحرا را در خود دارد و مضامینی چون مدح، رثاء، فخر، هجا، وصف و غزل در آن خودنمایی می کند (فخوری، ۱۳۷۷، ص ۶۰ و فروخ، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۸۳).

شعر و شاعر در بادیه از مقامی رفیع برخوردار بود. آنها به شاعر به عنوان پیشوای قوم می نگریستند و در زمان جنگ و صلح، رأی او نافذترین نظر بود و پیوسته در هر امری از امور زندگی صحرایی با او مشورت می کردند و به رأی او جامه عمل می پوشانیدند (فخوری، ۱۳۷۷، ص ۵۹). از آنجاکه شعر جاهلی، مولود بدویت، فطرت و بداهت است، از معانی دقیق و عمیق بهره ای نداشت و شاعر جاهلی بیشتر به محسوسات می پرداخت و در شعر او خبری از معنویات و مجردات نبود (ضیف، ۱۳۹۳، ص ۲۱۳ و فخوری، ۱۳۷۷، ص ۵۸).

با ظهور اسلام و آغاز دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تحولی عظیم در جامعه عربی روی داد که تمام شئون زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار داد. شعر عرب نیز از این قاعده مستثنی نبود. در صدر اسلام، شعر در خدمت دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم اسلامی و قرآنی قرار گرفت. با آغاز دعوت الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آتش خصومت ها میان مشرکان قریش و حضرت شعله ور شد و تعدادی از شاعران مانند عبدالله بن زبیری، عمرو بن عاص و ابوسفیان بن حارث، پیامبر و دعوت او را هدف هجوهای خود قرار دادند (فروخ، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۲۵). پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز از شاعرانی همچون حسان بن ثابت، کعب بن مالک (همان، ص ۲۸۳ و ۳۲۶)، کعب بن زهیر و دیگر شاعران انصار خواست که با شعر خود به دفاع در برابر قریشیان بپردازند (ضیف، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹).

۲. جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) از دیدگاه مورخان

جعفر بیست سال قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در طایفه بنی هاشم از قبیله قریش به دنیا آمد. پدر وی، ابوطالب، از بزرگان قریش و مادرش، فاطمه بنت اسد بود (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۲۶). جعفر به القابی نظیر طیار، ذوالجناحین (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴۲ و ابن کثیر، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۶) و ابوالمساکین شهرت داشت (ابن عنبه، ۱۴۱۷، ص ۳۵ و ابن کثیر، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۶). در مورد ایمان جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) اقوالی وجود دارد، اما حاصل جمع تمام این اقوال، تقدم ایشان در

پذیرش اسلام است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۵ و ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۱).

جعفر بن ابی طالب علیه السلام از مرتبت و منزلت والایی برخوردار بود. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: مردم از درخت‌های مختلف خلق شده‌اند، اما من و جعفر مانند یک درخت هستیم و از یک گِل آفریده شدیم (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۳۴) و نیز در روایتی دیگر فرمود: جعفر! تو در چهره و اخلاق، شبیه من هستی (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۴ ص ۲۵۶ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۳۵). جعفر در طول حیات خود، دو هجرت به حبشه و مدینه داشت (ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۱ ص ۲۴۲ و ابن عنبه، ۱۴۱۷، ص ۳۵). در هجرت از مکه به حبشه، وی سرپرستی کاروان مهاجران را بر عهده داشت و در مدت حضور خود در حبشه توانست پادشاه آنجا را مسلمان کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۵، ص ۴۳۰). پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه شدیدی به جعفر داشت؛ به طوری که وقتی جعفر، در حین فتح خیبر از حبشه بازگشت و با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات کرد، پیامبر او را در آغوش گرفت، میان دو چشم او را بوسید و فرمود: به خدا قسم! نمی‌دانم برای کدام یک خوشحال باشم؛ برای فتح خیبر یا دیدار با جعفر؟! (ابن عنبه، ۱۴۱۷، ص ۳۵ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۳۰).

بعد از بازگشت جعفر از حبشه، پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجری (ابن عنبه، ۱۴۱۷، ص ۳۵) وی را فرمانده جنگ موته قرار داد و جعفر بن ابی طالب علیه السلام در همین جنگ به شهادت رسید. وی به همراه دیگر شهدا در منطقه‌ای به نام مزار در نزدیک موته به خاک سپرده شد. بنا بر روایتی، جعفر بن ابی طالب علیه السلام، عبدالله بن رواحه و زید بن حارثه در یک قبر دفن شدند (ابن عنبه، ۱۴۱۷، ص ۳۶).

۳. معرفی حسان بن ثابت انصاری

حسان بن ثابت، از بزرگ‌ترین شاعران قبل از ظهور اسلام و در آغاز دوره اسلامی و یمنی الاصل بود که چند سال قبل از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله در یثرب به دنیا آمد (بروکلمان، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۵۲ و فروخ، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۲۶). وی از قبیله خزرج و از طایفه بنی نجار بود و پدرش، ثابت و جدش، منذر بن حرام از اشراف و بزرگان قوم خزرج به شمار می‌رفتند (جمعی، ۱۴۰۰، ج ۱ ص ۲۱۶). مادرش، فریعه، نیز از همان قبیله بود (ابن قتیبه، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۹۶ و عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۵).

حسان دارای دین یهودی بود، اما با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه اسلام آورد (اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۳). در رابطه با سن او در زمان اسلام آوردن، اختلاف است. عده‌ای سن او را شصت

سال (ضیف، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۷۷) و برخی کمتر از این مقدار دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۶). وی پیش از اسلام، به دربار غسانیان (حاکمان منطقه شام) و پادشاهان حیره (منطقه‌ای در عراق) رفت و آمد می‌کرد و با مدح آنان، از ایشان صله می‌گرفت و این رویه تا پایان عمرش ادامه داشت (ابن قتیبه، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۹۶ و بروکلمان، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۵۲).

حسان را برترین شاعر در میان شهرنشینان عرب دانسته‌اند و وی در تمامی دوران زندگی خود، چه قبل و چه بعد از اسلام، این برتری را حفظ کرد (بروکلمان، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۵۳). عده‌ای نیز قائلند شعر او در دوره اسلامی رو به افول نهاد (ابن قتیبه، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۰۵ و فروخ، ۲۰۰۶، ص ۳۲۶).

حسان اشعار برجسته بسیاری دارد (جمعی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۵) که از بهترین این اشعار در دوره جاهلی، مدح ملوک غسان است (فروخ، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۲۷). او همچنین با دفاع از پیامبر ﷺ در دوره اسلامی، طلایه‌دار شعر سیاسی است. وی مدح خود در شعر را وقف رسول خدا ﷺ کرد و هجوهایش را در رابطه با مشرکین متعرض بر رسول خدا ﷺ به کار برد. شعر حسان در دوره اسلامی، سرشار از اخلاص، تعابیر اسلامی و اقتباس از قرآن بود. وی به دلیل استفاده از صنایع بدیع در مدح پیامبر ﷺ، نخستین بدیعیه‌سرا به شمار می‌آید (فخوری، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵ و فروخ، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۲۶). اشعار حسان به دلیل اشاره به حوادث تاریخی و سیره و غزوه‌های پیامبر ﷺ، حائز اهمیت است و از مآخذ موثق تاریخ صدر اسلام به حساب می‌آید (فخوری، ۱۳۷۷، ص ۲۳۹). وی در سال ۵۴ در عصر معاویه از دنیا رفت (ابن قتیبه، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۹۵ و عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۶).

۴. مرثیه حسان بن ثابت در سوگ جعفر بن ابی طالب علیه السلام

از جمله اشعار برجای مانده از حسان، مرثیه‌های متعدد او در وصف برخی از بزرگان است؛ مانند نافع بن بدیع (انصاری، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶)، ابوبکر بن قحافه (همان، ج ۱، ص ۱۲۵) و حمزه سید الشهداء (همان، ص ۵۰۴). وی یکی از این مرثیه‌های نسبتاً طولانی را در سوگ جعفر بن ابی طالب علیه السلام سروده است. از حسان بن ثابت دو مرثیه در عزای جعفر برجای مانده که در منابعی مانند السیره النبویه ابن هشام، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر و دیوان حسان بن ثابت ذکر شده است. انتساب مرثیه مورد بحث به حسان، مشخص و ثابت است؛ زیرا در منابع متعددی که پیش از این نام برده شد آمده است. علاوه بر اینکه ولید عرفات، محقق و جمع‌آوری‌کننده

این اشعار، نسخ متعدد تاریخی را با یکدیگر مقایسه نموده و به تک تک اختلافات موجود در نسخه‌های گوناگون اشاره کرده است. وی پس از بیان ابیات مورد نظر، منابع مورد استفاده برای استخراج این مرثیه را همراه با ذکر جلد و صفحه آورده است (انصاری، ۱۹۷۴، ص ۱۰۰).
این مرثیه، علاوه بر عبارات بلیغ و تأثیرگذار، بسیار پرمحتواست (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۵، ص ۶۲-۶۳ و انصاری، ۱۹۷۴، ص ۱۰۰):

و هم إذا ما نوم الناس مسهر	تأوبني ليل بيثرب أعسر
سفوحا و أسباب البكاء التذكر	لذكرى حبيب هيجت لي عبرة
وكم من كريم يبتلى ثم يصبر	بلى ان فقدان الحبيب بلية
بمؤتة منهم ذوالجناحين جعفر	فلا يبعدن الله قتلى تتابعوا
جميعا و أسياف المنية تخطر	و زيد و عبدالله حين تتابعوا
شعوب و خلق بعدهم يتأخر	رأيت خيار المؤمنين تواردوا
إلى الموت ميمون النقية أزهر	غداة غدوا بالمؤمنين يقودهم
أبي إذا سيم الظلامة أصعر	أغر كضوء البدر من آل هاشم
بمعترك فيه القنا متكسر	فطاعن حتى مال غير موسد
جنان و ملتف الحقائق أخضر	فصار مع المستشهدين ثوابه
وقارا وأمرأ حازما حين يأمر	وكننا نرى في جعفر من محمد
دعائم صدق لا ترام و مفخر	وما زال في الإسلام من آل هاشم
رضام إلى طور يطول و يقهر	هم جبل الإسلام والناس حولهم
علي و منهم أحمد المتخير	بهاليل منهم جعفر و ابن أمه
عقيل وماء العود من حيث يعصر	وحمة والعباس منهم ومنهم
عماس إذا ما ضاق بالناس مصدر	بهم تفرج الغماء من كل مأزق
عليهم وفيهم والكتاب المطهر	هم أولياء الله أنزل حكمه

۱. شب یثرب بار دیگر سایه سنگینش را گسترانیده و غم، خواب از چشمان ربوده بود.
یاد آن حبيب، گریه‌ای سیل آسا به دنبال دارد؛ چراکه یاد عزیزان، از اسباب گریستن است.
آری از دست دادن عزیز، آزمونی بس سخت است و چه بسیارند جوانمردانی که مصیبت دیده و صبروری پیشه کردند.

۵. تبلور مرثیه حسان در مصادیق تاریخی

صرف نظر از اهمیت و جایگاه ویژه اشعار قدیم در میان مردم آن دوره و نیز میزان تأثیر این اشعار بر زنده نگهداشتن یاد و خاطرات افراد، بدون شک بسیاری از این ابیات برجای مانده، برگرفته از واقعیت‌های تاریخی است. نگارنده کاوش مختصری در محتوای ابیات مرثیه حسان بن ثابت انجام داده و تلاش کرده است ابیات را بر مصادیق تاریخی منطبق سازد. برخی از این موارد، عبارت‌اند از:

۱-۵. شجاعت و دلآوری

حسان بن ثابت پس از بیان میزان حزن و اندوه بر جعفر و سایر مردم شهر مدینه، به توصیف این شخصیت و نحوه حضورش در غزوه موته و شهادت وی می‌پردازد:

«از درگاه رحمت الهی دور مباد، مردانی که در سرزمین موته، پی در پی کشته بر زمین افتاده‌اند؛ جعفر ذوالجناحین، زید و عبدالله (بن رواحه) در آنجایی که با مرگ فاصله‌ای نبود * نیکان مومن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند در حالی که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند * مؤمنانی که مردی مبارک و خوش سیما آنان را به سوی مرگ فرماندهی می‌کرد *

از درگاه رحمت الهی دور مباد، مردانی که در سرزمین موته، پی در پی کشته بر زمین افتاده‌اند؛ جعفر ذوالجناحین، زید و عبدالله (بن رواحه) در آنجایی که با مرگ فاصله‌ای نبود.

نیکان مؤمن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند در حالی که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند.

مؤمنینی که مردی مبارک و خوش سیما آنان را به سوی مرگ فرماندهی می‌کرد.

فرمانده‌ای از بنی هاشم، خوش سیما مانند ماه، دلآوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.

او در میدان شجاعانه جنگید و پس از جنگ بسیار بر زمین افتاد.

با این اتفاق، وی به خیل شهیدان پیوست و باغ‌های سرسبز، پاداش وی گردید.

ما همواره در جعفر، وقار، متانت و قاطعیت پیامبر را در فرماندهی مشاهده می‌کردیم.

همچنان از میان بنی هاشم، ستون‌های محکمی پابرجاست، ستون‌های تغییرنیافتنی و دلیلی است برای فخر فروشی.

اینان در دین اسلام، همانند کوه‌ها و دیگر مردمان، سنگریزه‌های کوهپایه‌اند که هرگز با یکدیگر قابل مقایسه نیستند.

خنده‌روییانی (از بنی هاشم) مانند جعفر و برادرش، علی، و احمد برگزیده؛ و حمزه و عباس و عقیل، همگان از یک سرچشمه خوش‌بو منشأ می‌گیرند.

به وسیله آنان غم و اندوه‌ها از بین می‌رود، و در تنگناهای تیره و تار، فریادرس مردمانند.

به قرآن سوگند! اینان اولیاء الله هستند، حکمت را بر آنان و در میان آنها نازل نموده است.

فرمانده‌ای از بنی هاشم، خوش سیما مانند ماه، دلاوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.^۱
وی در ابیات بعدی می‌گوید:

«او در میدان، شجاعانه جنگید و پس جنگ بسیار، بر زمین افتاد* و به خیل شهیدان پیوست و باغ‌های سرسبز، پاداش وی گردید.»^۲

حسان برای به نمایش گذاشتن توانمندی جعفر بن ابی طالب (ع) در میانه میدان جنگ و شجاعت او، به نحوه حضورش اشاره می‌کند که کاملاً با نقل‌های تاریخی منطبق است؛ مانند این نقل ابن عساکر که آورده است: زمانی که جعفر پرچم را به دست گرفت و درحالی که آماده جنگیدن شده بود گفت: اکنون زمانی است که ایمان در قلوب مؤمنین محکم می‌شود، آیا میل به دنیا پیدا کنم؟ پس پای اسبش را پی کرد و به سوی جنگ رفت و آنقدر جنگید و کشت، تا به شهادت رسید (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۳۲). ابن سعد نیز در طبقات آورده است که جعفر بن ابی طالب (ع) بیش از نود زخم بر بدنش بوده که همه از پیش بوده (کنایه از اینکه پشت به جنگ نبوده) است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۸). بلاذری و ابن عبد البر نیز نقل‌های مشابهی درباره جعفر و استقامت وی در میدان جنگ نقل کرده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۸۰ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴۴).

حسان در این ابیات، علاوه بر دلاوری جعفر، فرمانده اول بودن او را نیز به اثبات رسانده است. مسئله تقدم جعفر در فرماندهی بر زید بن حارثه یا برعکس، از مسائل اختلافی غزوه موته است؛ چراکه برخی زید را فرمانده اول می‌دانند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷۳ و بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۳۸۰) و برخی دیگر جعفر را اولین فرمانده در این جنگ معرفی کردند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۵ و اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۲۹). شوشتری با ذکر این اختلاف نظر معتقد است ابیات کعب بن مالک و حسان بن ثابت در این باره می‌توانند بهترین داور را داشته باشند؛ زیرا آن دو، شاهد قضیه بودند (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۴).

۱. فلا یبعدن الله قتلی تتابعوا بمؤتة منهم ذوالجناحین جعفر و زید و عبدالله حین تتابعوا جمیعاً و أسیاف المنیة تخطر رأیت خیبار المؤمنین تواردوا شعوب و خلق بعدهم يتأخر غداة غدوا بالمؤمنین یقودهم إلى الموت میمون النقیبة أظهر فطاعن حتی مال غیر موسد بمعترك فیه القنا متکسر فصار مع المستشهدین ثوابه جنان و ملتف الحدائق أخضر
- ۲.

۵-۲. سجایای اخلاقی جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)

حسان بن ثابت در ادامه، به جایگاه بلند جعفر از نظر خلقی و رفتاری، مانند استقامت، ظلم ستیزی و شجاعت اشاره می‌کند؛ آنجا که می‌سراید:

«نیکان مؤمن را دیدم که چگونه گام در میدان می‌گذارند در حالی که دیگران چند قدم از آنان عقب‌ترند * مؤمنانی که مردی مبارک و خوش سیما آنان را به سوی مرگ فرماندهی می‌کرد * فرمانده‌ای از بنی هاشم، خوش سیما مانند ماه * دلاوری جوانمرد در هنگامه رویارویی با ظلم.»^۱

سخنان حسان در این باره صرفاً برای ثنا و مدح گفته نشده؛ بلکه امری است واقعی که نقل‌های تاریخی، آن را به اثبات می‌رساند. ابونعیم در معرفی او گفته است: جناب جعفر دارای سجایای اخلاقی بسیار عالی بود. ایشان مردی خطیب، سخاوتمند، شجاع و عارف بود (ابونعیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۴). ذهبی نیز در ماجرای هجرت به حبشه می‌گوید: جعفر توانست با صلابت و توانایی، دین خود را به نجاشی معرفی، و حقانیت آن را ثابت کند و همین امر موجب مسلمان شدن نجاشی شد (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۰۷).

در بحث شجاعت، علاوه بر مطالبی که پیش از این بدان اشاره شد، می‌توان شجاعت جعفر را در فرماندهی او در جنگ موته به وضوح دید. وی با وجود تعداد زیاد سپاهیان دشمن، آن زمان که سپاهیان اسلام، از ترس شکست قصد عقب‌نشینی داشتند، پرچم را به دست می‌گیرد و شجاعانه می‌جنگد تا اینکه به شهادت می‌رسد و شاید خداوند به پشتمان همین شجاعت و دلیری و به پاس قدردانی از دلاوری‌هایش «دو بال» در بهشت به او عطا می‌کند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۱).

از دیگر صفات جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)، کمالات اخلاقی و دوری از رفتارهای ناپسند جاهلی، حتی قبل از اسلام است. وی با آنکه در جاهلیت می‌زیست، اما از روش اخلاقی آنان برکنار بود و از منکراتی که آنها مرتکب می‌شدند خودداری می‌ورزید؛ از جمله اینکه دروغ

۱. رأیت خیار المؤمنین تواردوا
غداة غدوا بالمؤمنين يقودهم
أغر كضوء البدر من آل هاشم
فطاعن حتى مال غير موصد
شعوب و خلق بعدهم يتأخر
إلى الموت ميمون النقية أضر
أبي إذا سيم الظلّامة أصغر
بمعترك فيه القنا متكسر

نمی‌گفت، شرب خمر نمی‌کرد، اهل زنا نبود و بت‌ها را نمی‌پرستید (شوشتی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۲). در میان همه صفات برجسته و کمالات نفسانی جعفر، سخاوت در او از همه بیشتر نمود داشت؛ چراکه هر زمان کسی از او سؤالی می‌پرسید، جعفر پاسخی نمی‌داد مگر اینکه او را به منزل خود می‌برد و از همسرش، اسماء، درخواست طعامی می‌کرد و بعد از خوردن طعام، پرسش وی را پاسخ می‌داد (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۳۰ و امین، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۰). همچنین جناب جعفر به دلیل کمک‌های بی‌دریغ به مستمندان، به «ابا المساکین» مشهور بود (ابونعیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۴) و حتی در منابع آمده است که پیغمبر ﷺ او را ابا المساکین نامید (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۲).

۵-۳. شباهت با پیامبر ﷺ

حسان سپس به شباهت جعفر بن ابی طالب ﷺ به پیامبر ﷺ می‌پردازد. شباهت در رفتار و در ظاهر، که مورد اذعان اغلب مورخین و اهل حدیث بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۶-۲۷ و ابوحنیفه، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۴۸) تا جایی که ابن سعد، جعفر بن ابی طالب ﷺ را در رعایت آداب شخصی، برترین شخص بعد از رسول الله ﷺ معرفی کرده و آورده است: جعفر بن ابی طالب ﷺ در نحوه پوشش و ظاهر خویش، مانند پوشیدن لباس مجلسی و یا عمامه گذاشتن و انتخاب مرکب، بعد از رسول الله ﷺ برترین شخص بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۱). سید محسن امین نیز در معرفی جعفر بن ابی طالب ﷺ آورده است که جعفر، شبیه‌ترین مردم از نظر چهره و اخلاق به رسول خدا ﷺ بود؛ به گونه‌ای که روزی مردی جعفر را دید و گمان کرد که رسول خدا ﷺ است، پس با عبارت «السلام علیک یا رسول الله» سلام کرد. جعفر در جواب او گفت: من رسول خدا نیستم؛ بلکه من جعفرم (امین، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۵).

«ما همواره در جعفر، وقار، متانت و قاطعیت پیامبر ﷺ را در فرماندهی مشاهده می‌کردیم.»^۱ حسان در اینجا به دو صفت متانت و قاطعیت در هنگام فرماندهی اشاره می‌کند؛ هرچند در ابیات دیگر، به رنگ چهره سرخ و سفید و خنده‌رو بودن جعفر اشاره کرده است که با اخبار تاریخی نقل شده در مورد رسول خدا ﷺ کاملاً مطابقت دارد. ترمذی در کتاب خویش آورده است: احدی را ندیدم که بیشتر از رسول خدا ﷺ تبسم کند (ترمذی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۶). وی در جای

۱. نری فی جعفر من محمد وقاراً وأمرأ حازماً حین یأمر

دیگر به نقل از جریر بن عبدالله آورده است: از زمانی که اسلام آوردم، رسول خدا ﷺ را ندیدم مگر اینکه به روی من خندید (همان، ص ۱۳۷). اما بیهقی در مورد رنگ پوست حضرت نقل می‌کند: رنگ آن قسمت از پوست بدن حضرت که در معرض تابش خورشید و باد و هوا قرار داشت، مایل به سرخی بود، اما آن قسمت از بدن که در زیر لباس ایشان مستور بود، سفید درخشان بود. در کل، پوست ایشان سفید مایل به سرخ بوده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۶ و ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲). نمونه بارز قاطعیت رسول خدا ﷺ در ماجرای غزوه احد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۰۷-۲۰۸) و غزوه حنین (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲-۶۳ و واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۰۰) و دیگر حوادث تاریخی را می‌توان به روشنی دید، اما قاطعیت جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) در همان یک جنگی که به عنوان فرمانده انتخاب شد و پایداری او در میانه میدان آشکار می‌شود. بنا بر نقل ابن عساکر، زمانی که جعفر پرچم را به دست گرفت، چیزی مانع وی نبود. پس به سوی جنگ رفت و آنقدر جنگید و کشت تا به شهادت رسید (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۳۲).

۴-۵. جایگاه بنی هاشم در میان قریش

ابیات پایانی این مرثیه، به یکی از امتیازات مهم جعفر اشاره می‌کند و آن، هاشمی بودن اوست: «همچنان از میان بنی هاشم، ستون‌های محکمی پابرجاست؛ ستون‌های تغییرنیافتنی و دلیلی است برای فخر فروشی * اینان در دین اسلام همانند کوهند و دیگر مردمان، سنگریزه‌های کوهپایه‌اند که هرگز با یکدیگر قابل مقایسه نیستند * خنده‌روییانی (از بنی هاشم) مانند جعفر و برادرش، علی و احمد برگزیده * و حمزه، عباس و عقیل، همگان از یک سرچشمه خوشبو منشأ می‌گیرند * به وسیله آنان، غم و اندوه‌ها از بین می‌رود، و در تنگناهای تیره و تار، فریادرس مردمانند * به قرآن سوگند! اینان اولیاء الله هستند، حکمت را بر آنان و در میان آنها نازل نموده است.»^۱

۱. و ما زال في الإسلام من آل هاشم
هم جبل الإسلام والناس حولهم
بهاليل منهم جعفر وابن أمه
وحمة والعباس منهم ومنهم
بهم تفرج الغماء من كل مأزق
هم أولياء الله أنزل حكمه

دعائم صدق لا ترام و مفخر
رضام إلى طور يطول و يقهر
علي ومنهم أحمد المتخير
عقیل و ماء العود من حيث يعصر
عماس إذا ما ضاق بالناس مصدر
عليهم و فيهم و الكتاب المطهر

بنی هاشم، تیره‌ای از قبیله قریش و منسوب به هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب، نیای دوم پیامبر اکرم ﷺ هستند (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۲) و به همین جهت، به اهل بیت پیامبر ﷺ، بنی هاشم گفته می‌شود.

هاشم از پدرش دو منصب سقایت و رفادت (میزبانی حاجیان) را به ارث برد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۳ و طبری، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۷). او همچنین با حفر دو چاه سحله و بذر، در راستای منصب سقایت تلاش کرد تا در امر آب‌رسانی به حج‌گزاران تسهیلاتی ایجاد کند (حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۱۹۳ و ج ۱، ص ۳۶۱؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۵۷ و ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۱۳).

هاشم در زمینه بازرگانی نیز توانست اولین کسی باشد که برای قریش، ایلاف و پیمان‌نامه بگیرد (بغدادی، ۱۴۰۵، ص ۴۲). براین اساس و با انعقاد پیمان‌های بازرگانی با شام و قبایلی که در مسیر کاروان‌های تجاری بودند، سفرهای تجاری قریش، به دو سفر تابستانی به سوی شام و زمستانی به سوی یمن و حبشه تقسیم شد (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۲ و ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲). شاید در اثر همین ارتباط بود که هاشم توانست در سال قحطی مکه که قریش دچار گرسنگی شده بودند، با تهیه آرد و نان از شام (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲) و درآمیختن آن با گوشت شتر و تهیه ترید و اطعام آن به مکیان، لقب هاشم (تهیه‌کننده ترید) را برای خود به جا گذارد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲ و مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۱). در این میان، ماندگارترین و مؤثرترین نسل وی، از شیهه الحمد (عبدالمطلب) است که با ورود به مکه، به عبدالمطلب (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۸) مشهور شده بود. با رحلت عمویش، مطلب، مناصب سقایت و رفادت به عبدالمطلب سپرده شد و او توانست بهتر از هر زمانی آن را اداره کند (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۰۸).

ازجمله اقدامات عبدالمطلب که در راستای منصب سقایت صورت گرفت، حفر چاه زمزم بود که از اهمیت بسیاری برای حجاج برخوردار بود؛ زیرا به آنها این امکان را می‌داد که پس از سال‌ها، از چاه اسماعیل آب بنوشند. از همین روست که بنی هاشم بر سایر قریش فخر می‌فروختند و سقایت از این چاه را افتخاری بزرگ تلقی می‌کردند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۰). موقعیت عبدالمطلب در نزد قریش و حج‌گزاران، در پی هجوم سپاه ابرهه به مکه فزونی یافت؛ زیرا او به عنوان نماینده مکیان در نزد ابرهه حاضر شد. برخورد عبدالمطلب با ابرهه و سپس هدایت مکیان به کوه‌های اطراف و حفظ جان آنها از گزند سپاه ابرهه باعث شد که قریشیان

به وی لقب «ابراهیم ثانی» بدهند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱).

آنچه به اختصار بیان شد تاریخچه ای از موقعیت ویژه بنی هاشم در روزگار جاهلیت بود و صد البته با بعثت پیامبر ﷺ و انتخاب آخرین نبی از این خاندان، جایگاه و موقعیت بالاتری یافتند (جواد علی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱). جدا از موقعیت های سیاسی و اجتماعی این خاندان، صفات نیکو و فضایل اخلاقی بنی هاشم، زبانزد اعراب بود. سخاوت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲)، شجاعت (اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۵۱ و سماوی، ۱۴۱۹، ص ۴۹) و حمایت از مظلوم (جواد علی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۷)، از جمله صفات بارز بنی هاشم بوده است.

عبارت های به کار رفته حسان بن ثابت درباره بنی هاشم، هر کدام در جای خود قابل تأمل است؛ آنجا که شخصیت هایی را نام می برد و با عنوان ستون های محکم و تغییرناپذیر از آنها یاد می کند، یا آنجا که بنی هاشم را به قله کوه تشبیه می نماید و دیگر مردمان را به سنگریزه های دامنه کوه!! و...^۱

نتیجه گیری

شعریکی از ارکان مهم حیات اعراب و یکی ابزار ثبت و ماندگار سازی حوادث به شمار می رود. عرب شبه جزیره، چه در زمان جاهلیت و چه بعد از آغاز عصر نبوت، به شعر و شاعری به عنوان جزئی لاینفک از حیات خویش می نگریست. شاعران زیادی با پذیرش دین مبین اسلام، از این ابزار آهنگین برای تبیین و حفظ ارزش ها استفاده کرده اند. یکی از انواع شعر رایج در میان عرب های آن زمان، «مرثیه» است که نوعی مدح در یادمان شخص وفات یافته به شمار می رود. حسان بن ثابت، یکی از شعرای صاحب نامی است که هم عصر جاهلیت را درک کرده است و هم دوران بعثت را. وی اشعار متعددی در حوادث مختلف تاریخی از خود برجای نهاد. برخی از این اشعار، در ثنای شخصیت های طراز اول تاریخ اسلام سروده شده اند که از جمله آنها، مرثیه ای است در سوگ جعفر بن ابی طالب (ع). حسان در این چکامه ابتدا به بیان میزان حزن و اندوه خویش و دیگر مسلمانان در فقدان این شخصیت صاحب نام پرداخت که علاوه بر انتسابش به خاندان نبوت، دارای فضائل

۱. و ما زال في الإسلام من آل هاشم دعائم صدق لا ترام و مفخر هم جبل الإسلام والناس حولهم رضام إلى طور يطول و يقهر

بی‌شمار بود. وی سپس صفات جعفر، نحوه حضور در جنگ و شجاعت او، شباهتش به رسول خدا ﷺ و موقعیت ویژه بنی‌هاشم را بیان کرده است. در این مقاله تلاش شده است با یافتن مصادیق تاریخی، محتوای اشعار به‌کاررفته، اثبات یا در صورت عدم تطابق، ردّ شوند؛ چراکه در نگاه اولیه ممکن است این اشعار صرفاً نوعی تمجید و مدح تلقی شود، اما هنگامی که این عبارات با مصادیق تاریخی، تطبیق داده شوند، دارای اهمیتی دوچندان خواهند بود.



١. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، بي تا، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابراهيم ابوالفضل، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفى.
٢. ابن اثير على بن محمد، ١٤٠٩ق، اسد الغابه فى معرفه الصحابه، بيروت: دار الفكر.
٣. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، ١٤٠٨ق، تاريخ ابن خلدون، تصحيح: سهيل زكار و خليل شحاده، بيروت: دار الفكر.
٤. ابن سعد، محمد، ١٤١٠ق، طبقات الكبرى، تحقيق: عطا محمد عبدالقادر، بيروت: دار الكتب العلميه.
٥. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، الاستيعاب، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل.
٦. ابن عساكر، على بن حسن، ١٤١٥ق، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر.
٧. ابن عنبه، احمد بن على، ١٤١٧ق، عمدة الطالب فى انساب آل ابى طالب، قم: مؤسسه انصارى.
٨. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، ١٤٢٣ق، الشعرو الشعراء، تحقيق: احمد محمد شاكر، قاهره: دار الحديث.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، بي تا، البداية والنهاية، گردآورى: خليل شحاده، بيروت: دار الفكر.
١٠. ابن هشام، عبد الملك بن هشام، بي تا، السيرة النبوية، تحقيق: ابراهيم ابيارى و مصطفى سقا، بيروت: دار المعرفة.
١١. ابوحنيفة نعمان بن محمد، بي تا، شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٢. ابونعيم، احمد بن عبدالله، بي تا، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، گردآورى: كمال يوسف حوت، قاهره: دار ام القرى.
١٣. ازرقى، محمد بن عبدالله، ١٤١٦ق، اخبار مکه، تحقيق: رشدى صالح ملحس، بيروت: دار الاندلس.
١٤. اصفهاني، على بن حسين، ١٤١٥ق، الاغالى، بيروت: دار احياء العربى.
١٥. _____، ١٤١٩ق، مقاتل الطالبين، تحقيق و شرح: صقرا احمد، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
١٦. امين، سيد محسن، ١٤٠٣ق، اعيان الشيعة، تحقيق: حسن امين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
١٧. انصارى، حسان بن ثابت، ١٩٧٤م، ديوان حسان بن ثابت انصارى، تصحيح: وليد عرفات، بيروت: دار صادر.
١٨. بروكلمان، كارل، ٢٠٠٦م، تاريخ الادب العربى، ترجمه: عبد الحميد نجار، قم: دار الكتب الاسلامى.
١٩. بغدادى، محمد بن حبيب، ١٤٠٥ق، المنمق فى اخبار قريش، تصحيح: خورشيد احمد فاروق، بيروت: عالم الكتب.
٢٠. بلاذرى، احمد بن يحيى، ١٩٨٨م، فتوح البلدان، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
٢١. بيهقى، احمد بن حسين، ١٤٠٥ق، دلائل النبوه، تحقيق: عبد المعطى امين قلجى، بيروت: دار الكتب العلميه.
٢٢. ترمذى، ابوعيسى، بي تا، الشمائل المحمديه، بيروت: احياء التراث.
٢٣. جمحى، محمد بن سلام، ١٤٠٠ق، طبقات فحول الشعراء، شرح: محمود محمد شاكر، جدّه: دار المدنى.
٢٤. جواد علمى، بي تا، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، بي تا: بي تا.

۲۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵ م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ ق، سیر اعلام النبلاء، تحقیق: حسین سلیم و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۷. سماوی محمد بن طاهر، ۱۴۱۹ ق، ابصار العین، تحقیق: محمد جعفر طبسی، قم: انتشارات مرکز الدراسات الإسلامية لحرس الثورة.
۲۸. شوشتری، محمد تقی، ۱۴۱۰ ق، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. ضیف، شوقی، ۱۳۹۳ ش، تاریخ ادبی عربی، عصر جاهلی، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیر کبیر.
۳۰. _____، ۲۰۰۷ م، تاریخ الادب العربی، عصر اسلامی، قاهره: دار المعارف.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، بی تا، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی نا.
۳۲. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ ق، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۳. فخوری، حنا، ۱۳۷۷ ش، تاریخ الادب العربی، تهران: توس.
۳۴. فروخ، عمر، ۲۰۰۶ م، تاریخ الادب العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۵. مقدسی، مطهر بن طاهر، بی تا، البدء و التاریخ، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
۳۶. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.